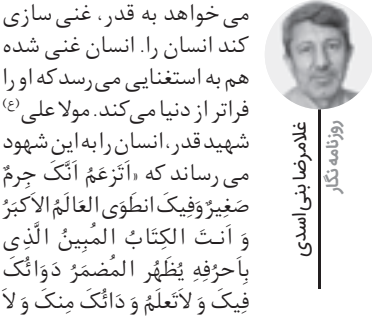


شبِ قدر و سفر چهارم عشق



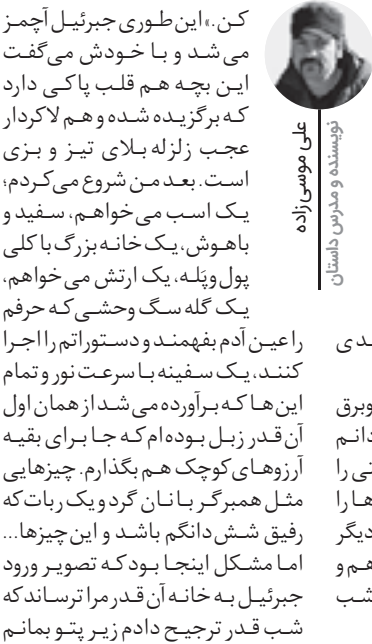
روزنامه نگار غلامرضا بنی‌اسدی

«وما ادراک ما ليله القدر، انگار خداوند علی‌اعلا، با این پرسش می‌خواهد ما را به تأمل در شکوهی بس عظیم بخواند. حضرت کریم که ما را با رمضان تکریم فرموده و با روزه به ضیافت بزرگ خوانده است، اینجا می‌خواهد ما را به فهمی نو برساند از زمانی که می‌تواند زمین را هم نو کند و ما

زمینیان را به درکی تازه از رابطه باآسمان برساند. رابطه‌ای که چون فهم کنیم، به نسبتی خواهیم رسید که زندگی ما را متناسب سازی خواهد کرد. آن هم با محوریت شب قدر. همان که خود چنین به عظمت و بزرگی آن تصریح می‌فرماید: «ليلة القدر خير من الف شهر؛ شب قدر از هزار ماه بهتر است.» این هزار ماه هم عددکثرت است. چنین می‌توان دریافت که شب قدر از هزاران ماه برتر است. این شب نماد روشن حسنه شدن رابطه زمین و آسمان است. «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ، در آن [شب] فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند، نشان همین رابطه خویشاوندی است که تقدیر شده است تا تدبیر اهل معرفت را در هندسه عبودیت قرار دهد. قدر را باید مؤمنانه و تمام ساحتی دریافت تا صاحب قدر و منزلت شد. وزن هرکس به دریافت معرفت اوست از این زمان مقدس. آنچه حتما باید بدان داشت، این است که قدر را در فراتر از هزار ماه بدانیم و در حصر زمانی محدود قرار ندهیم. خدا

گنجشک و سنگ

پسریچه‌ای که آرزوهایش زیر بالش ماند



علی موسی زاده نویسنده و مدرس دانشان

غلط املایی که فقط نوشتن اچاق وجی یک کلمه نیست، گاهی آدم‌ها ممکن است مفهوم یک چیز را گم کنند، یک چیزِی توی همین مایه‌های غلط املایی اما داخل ذهن. مادرم برایم قصه‌های پیامبران را تعریف می‌کرد که خدا چطور پیامبران را توی گهواره تاب می‌داده و توی آشوب غرقشان می‌کرده و بعد در سعادت ابدی برایشان لالایی خوانده.

کله کوچک گنجشکی من در رعدوبرق این قصه‌ها پودر می‌شد. نمی‌دانم ذهن من چطور این همه شگفتی را تاب می‌آورد ولی هر بار که قصه‌ها را می‌شنیدم، می‌دیدم نه! یک بار دیگر هم جادارد که بشنومشان و باز هم و باز... وسط همه این‌ها ماجرای شب قدر یک چیز دیگر بود.

ختم عجایب بود. نمی‌دانم مادرم می‌خواست من را ترغیب کند یا واقعا خودش هم یکی از آن غلط املایی‌های ذهنی را داشت. می‌گفت اگر شب قدر را کس عبادت کند و آن قدر خالص باشد و با تمام وجود قلب پاکش را رویه‌روی خدا بگذارد یک اتفاق می‌افتد، جبرئیل فرشته‌بزرگ خدا نیمه‌شب در سکوت و تاریکی مثل فوجی از نور نازل می‌شود و با هیبت اعجاب‌انگیزش، با آن صدای سحرانگیزی که از صدای همه دوبلورهای دنیا بهتر است، می‌گوید «آفرین بر تو بنده خالص و متواضع. حالا می‌توانی آرزو کنی... بگو چه آرزویی داری؟»

من با همان مغزفندق‌کوچکم دیوار روبه‌بالکن خانه را می‌دیدم که از هم می‌شکافد و انفجاری از نور راهش را به داخل پذیرایی باز می‌کند که در آن موقع شب همه خواب‌اند و فقط من بیدارم و جبرئیل می‌خواهد آرزویم را بگویم. من از همان شب هم از دیوار ترسیدم و هم از تصور ورود خارق‌العاده جبرئیل به خانه‌مان.

بدجور می‌ترسیدم ولی آرزوهایم را آماده کرده بودم. هرروز هم بالا و پایینشان می‌کردم. آخرش به این نتیجه رسیدم بهترین آرزو این است که «هر آرزویی بگویم برآورده

مناجات

الهی از آنچه نخواستی چه آید، و آنرا که نخواستی کی آید، نا کشته را از آب چیست، و ناخوانده را جواب چیست، تلخ را چه سود اگر ش آب خوش در جوار است و خار را چه حاصل از آنکه بوی گل در کنار است.

خواجۀ عبدا... انصاری

دمای هوای مشهد	 ۲۳٪ رطوبت هوا	 ۲۹° ↑	 ۱۱° ↓
اوقات مشهود	 صبح ۲۰	 ظهر ۲۶	 شب ۱۸
اوقات شرعی مشهد	 عصر ۲۷	 نیمه شب شرعی ۲۲:۴۹:۲۲	 اذان صبح فردا ۰۳:۳۷:۱۶
	 اذان مغرب فردا ۱۸:۱۸:۲۴	 طلوع آفتاب فردا ۰۵:۵۵:۱۰	

تشنه، گمان می‌کنی که جرم کوچکی هستی، حال آنکه درون تو عالم بزرگی است، کتاب مبینی هستی که با حروف آن پنهان‌ها آشکار می‌شود! داروی تو در خودت است و نمی‌دانی و ناآگاهی نتیجه این هوشیارباش مولا می‌تواند این باشد که از قدر راهی به خویش بگشاییم و باز با خود به خودآگاهی رسیده‌مان دوباره به قدر وارد شویم. به همان سلوکی که در «اسفار اربعه»، آموخته‌ایم. هر سفر بهره‌ای دارد اما اهل معرفت سفر از پی سفر می‌کنند تا به سفر چهارم یار یابند. به «سفر من الخلق الی الخلق فی الخلق بالحق، سفر از خلق به سوی خلق با حق، این گونه است که انسان به شأن عظمای خویش می‌رسد. به جایگاه خلیفه ا... باری، شب قدر، شب نوشتن این خط سیر است. گاه رسیدن به عظمت وجودی اشرف مخلوقات است. دم را غنیمت شماریم که هر لحظه باید قیمتی افزون یافت. قدر برتر روزی مردمانی چنین است. ما را هم در شمار این مردمان جایگاهی محترم باد. آمین!

آن سیدمرتضی آوینی که نام، تصویر و کلامش را با روایت فتح به یاد می‌آوریم، از همان کودکی با داستان و مقاله و شعر و نقاشی مأنوس بود. پدرش مهندس معدن بود و زمینه هنر نداشت. اما سیدمرتضی با لذات، گرایش عجیبی به هنر داشت. سال ۴۴ هم با رشته معماری وارد دانشکده هنرهای زیبای تهران شد. همان دانشکده‌ای که سرآغاز تجربیات گوناگون جوانی اش بود. اوج کتاب‌خوانی و گپ و گفت‌های روشن فکرا نه‌اش با طیف متنوعی از آدم‌ها در همین دوران رقم خورد.

آوینی پیش از انقلاب، هم داستایوفسکی و نیچه می‌خواند هم فیه‌ما فیه و سهروردی. هم فروغ و شاملومی خوانده‌م تبلیغات اسلامی منتشر می‌کرد و آوینی در این ماهنامه به تبیین مبانی سیاسی غرب بر اساس احکام اسلامی و با بهره‌گیری از تفسیر المیزان می‌پرداخت. در همین سال هنگامی که مؤسسه فرهنگی روایت فتح به دستور رهبر معظم انقلاب با هدف فیلم‌سازی مستند و سینمایی در باره دفاع مقدس تأسیس شد، در قالب یک تیم مستندسازی به مناطق جنگی رفت و در کمتر از یک سال شش برنامه‌از ۱۰ قسمت مجموعه «شهری در آسمان»، را تولید کرد. همان مجموعه‌ای که برای تکمیل آن در فروردین سال ۷۲، فکه حاضر شد اما در اثر برخورد با یک مین جامانده از روزگار جنگ، در سن چهل و پنج سالگی به مقام رفیع شهادت رسید. امروز از شهیدمرتضی آوینی سیزده اثر مکتوب و ۱۰ مستند تصویری، به یادگار مانده که او را تبدیل به نمادی از هنر انقلاب اسلامی کرده است. نام، تصویر و صدایش نمونه مجسمی از درک و تعهد هنرمندی است که اسلحه اش قلم بود و حقایق جنگ و ناگفته‌های آن را در قالب تولیدات فرهنگی در حافظه تاریخی ایران پس از انقلاب اسلامی ثبت، ضبط و ماندگار کرد.

خروجی این ایام، مجموعه «شش روز در ترکمن صحرا»، «سبل خوزستان»، «خان گزیده‌ها»، «جنگ تحمیلی که آغاز شد، سیدمرتضی

آزاد چشمه سنگی

روایت روز

شب قدر، شب اهل خلوت!

باباصفر سال هاست که شب‌های قدر توی حیاط خانه بی‌بی صفورا روی تخت کنار حوض خلوت می‌کند. ماهی‌های قرمز توی حوض به سمتش صف می‌کشند و صدای رادیو قدیمی خانه که پیش پای باباست، حیاط را برداشته است. بی‌بی سر شنبی ظرف خرما و بامیه را کنار سماور و بساط چای پای تخت می‌گذارد و همچنان که چادرش را روی سرش صاف می‌کند، خطاب به باباصفر می‌گوید: «من که رفته مسجد. تا سحری یک استکان چای بخور آب بدنت خشک نشه.» باباصفر از زیر عینک بی‌بی را بدرقه می‌کند. سرش را تکان می‌دهد و همچنان زمزمه به لب و قرآن به دست دارد. عیایش را روی دوشش جمع می‌کند و قرص ماه را که روی تخت و حوض وسط حیاط سایه انداخته نگاه می‌کند. چند دقیقه‌ای که چه می‌دائم شاید چند نیم‌ساعتی خیره می‌ماند. توی رویاهایش همه آرزوهایش را رج می‌زند.



رمضان ماه قرآن

ماه مبارک رمضان فرصت انس با کتاب الهی است. این شب‌ها بسیاری از روزه‌داران مشهودی در بارگاه ملکوتی امام رضا(ع) دیدگان خود را با قرآنت قرآن روشن می‌کنند.

عکس: محسن بنخشده ا شهرآرا

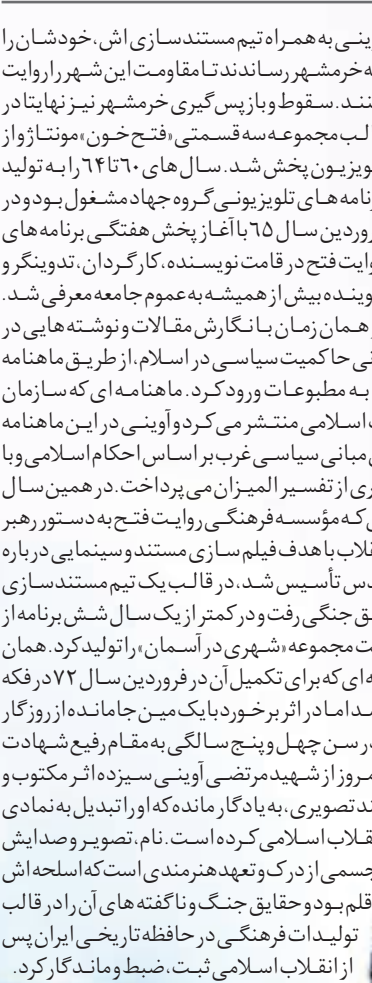
SHAHRRARANEWS.IR
اشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ ۱۸ رمضان ۱۴۴۴ شماره ۳۹۱۴
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای



اول شخص

پرچم دار هنر انقلاب

یادی از شهید مرتضی آوینی، مستندساز و روزنامه نگار که ۳۰سال پیش در چنین روزی به شهادت رسید

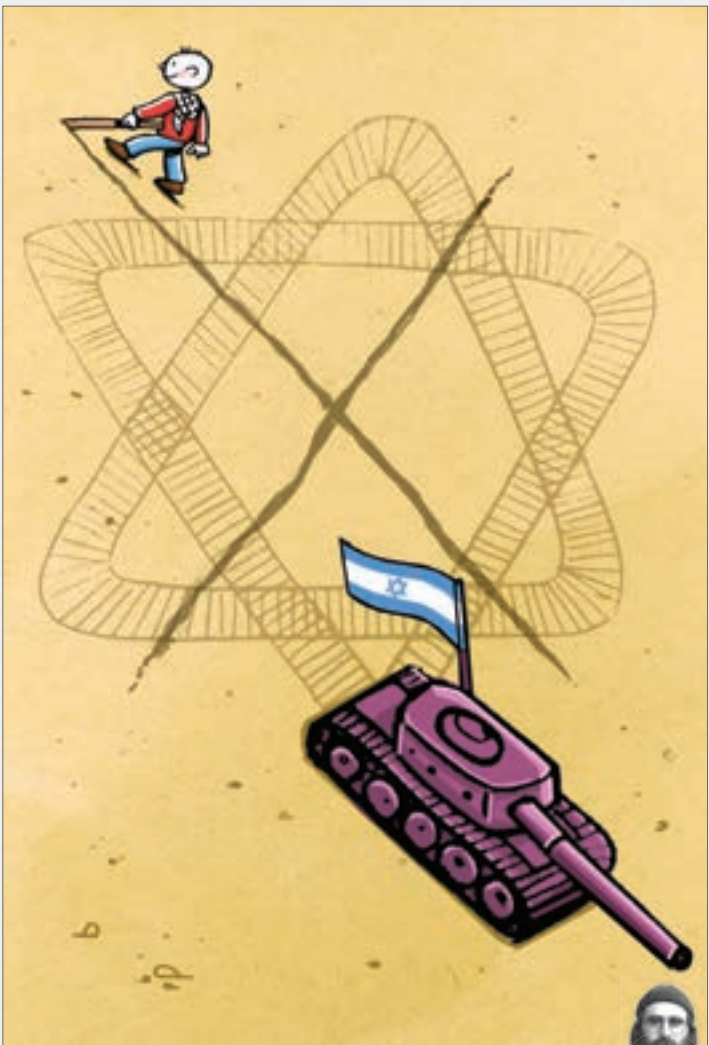


آزاد چشمه سنگی

آوینی به همراه تیم مستندسازی اش، خودشان را به خرمشهر رساندند تا مقاومت این شهر را روایت کنند. سقوط و بازپس‌گیری خرمشهر نیز نهایتاً در قالب مجموعه سه قسمتی، فتح خون، مونتاژ واز تلویزیون پخش شد. سال‌های ۶۰ تا ۶۴ را به تولید برنامه‌های تلویزیونی گروه جهاد مشغول بود و در فروردین سال ۶۵ با آغاز پخش هفتگی برنامه‌های روایت فتح در قامت نویسنده، کارگردان، تدوینگر و گوینده بیش از همیشه به عموم جامعه معرفی شد. او همان زمان با نگارش مقالات و نوشته‌هایی در باب مبانی حاکمیت سیاسی در اسلام، از طریق ماهنامه اعتصام به مطبوعات ورود کرد. ماهنامه‌ای که سازمان تبلیغات اسلامی منتشر می‌کرد و آوینی در این ماهنامه به تبیین مبانی سیاسی غرب بر اساس احکام اسلامی و با بهره‌گیری از تفسیر المیزان می‌پرداخت. در همین سال هنگامی که مؤسسه فرهنگی روایت فتح به دستور رهبر معظم انقلاب با هدف فیلم‌سازی مستند و سینمایی در باره دفاع مقدس تأسیس شد، در قالب یک تیم مستندسازی به مناطق جنگی رفت و در کمتر از یک سال شش برنامه‌از ۱۰ قسمت مجموعه «شهری در آسمان»، را تولید کرد. همان مجموعه‌ای که برای تکمیل آن در فروردین سال ۷۲، فکه حاضر شد اما در اثر برخورد با یک مین جامانده از روزگار جنگ، در سن چهل و پنج سالگی به مقام رفیع شهادت رسید. امروز از شهیدمرتضی آوینی سیزده اثر مکتوب و ۱۰ مستند تصویری، به یادگار مانده که او را تبدیل به نمادی از هنر انقلاب اسلامی کرده است. نام، تصویر و صدایش نمونه مجسمی از درک و تعهد هنرمندی است که اسلحه اش قلم بود و حقایق جنگ و ناگفته‌های آن را در قالب تولیدات فرهنگی در حافظه تاریخی ایران پس از انقلاب اسلامی ثبت، ضبط و ماندگار کرد.

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز:
- شهرداری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید میثم موسوی مهر
- مسرد بیسر:
- سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: مصلحان‌شهدا،
- نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی:
- ۵ - ۳۷۲۸۸۸۱۱
- نماینده: ۳۷۲۲۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

کارتون شهر



رضا جنگی

رژیم غاصب صهیونیستی این روزها هر لحظه به فروپاشی نزدیک تر می شود.

به قول خدا

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است



روزنامه نگار فخره خواجه‌نیا

بعضی وقت‌ها که آدم به محضر بزرگی دعوت می‌شود و می‌نشیند، انگار توان صحبت کردنش را از دست داده باشد. کلمه‌ها را عاجزتر از این می‌بیند که بتوانند حق مطلب را ادا کنند. یا به سکوت پناه می‌برد یا آن قدر سبک و سنگین می‌کند که مبادا نسنجیده سخن بگوید و ادب حضور را رعایت نکرده باشد. اگر اشتیاق دیدار داشته باشد دوست دارد از شوقش بگوید. اگر درخواستی داشته باشد دلش می‌خواهد خواسته‌اش را به زبان بیاورد. اگر خطایی در محضر او کرده باشد دوست دارد کلمه‌ها را جوریکنار هم بچیند و طلب بخشش کند. بعضی فرصت‌ها غنیمت‌های کمیابی هستند که شبیه روزی و سهم آدم در این دنیاست. فرصتی که ممکن

(فرازی از آیه ۲۴، سوره صوره)

گنج زندگی

حجاب چهره جان می شود غبار تنم

لیلی بختیاری

آینه‌ای که غبار گرفته باشد وقتی مقابلش بایستی هرگز نمی‌توانی خودت را در آن تماشا کنی. لازم است از آنچه مانعی میان آینه و تصویر توست پاکیزه‌اش کنی. آدمیزاد هم همین است تا وقتی دلش را گرد و غبار کینه و خشم و اندوه و... پوشانده است هر چه زیر آسمان خدا بایستد و مقابل آن آبی بی‌انتها طالب تماشای زیبایی و شکوه و بزرگی باشد هرگز سهمی از آن همه عظمت در شب معنکس نمی‌شود. روزی حافظ هم همین‌را نوشت که: «میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست/ تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز»، اگر عاشق آدمی باشد و معشوق خداوند، حائل این میان باز هم نیست.